

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۲، پیاپی ۱۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۲۵۸-۲۴۱

تاریخ ذهنیات به منزله نظریه و روش در تاریخ نگاری فرهنگی^۱

بهزاد کریمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

چکیده

تاریخ ذهنیات رویکردی است برآمده از تاریخ نگاری مکتب آنال و می توان آن را متأثر از رویکرد تاریخ فرهنگی ارزیابی کرد، اما در آن چارچوبها محدود نشد و شاخ و برگ فراوان یافت. امروزه تاریخ روحيات و تاریخ احساسات در حقیقت ثمره تاریخ ذهنیات هستند و هرکدام به تدریج سازوکاری مستقل می یابند. محور اصلی تاریخ ذهنیات که توسط فور و بلوخ دو تن از بنیان گذاران مکتب آنال آغاز شد، بررسی تأثیر فرهنگ بر سایر وجوه زندگی است. مفروض اصلی مورخان این رهیافت تاریخ نگارانه این است که کلان طرح های فرهنگی در کار هستند که بیشترین توافق بر سر آن بین اعضای یک جامعه وجود دارد و افراد در مرزهای آن دست به کنش فرهنگی می زنند. منتقدان ضمن ستایش رویکرد فراگیر این تاریخ که اقشار مختلف جامعه را بی هیچ تمایزی در برمی گیرد، اجبار و تحمیل نهفته در این مفروض را آماج انتقادات خود قرار داده اند. البته بی تردید تاریخ ذهنیات با تمرکز بر نقش گاه ناپیدا و عمدتاً مغفول فرهنگ بر کنش های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تصویری بدیع از گذشته در اختیار می دهد. این جستار با هدف آشنا کردن مورخان ایرانی با رویکردهای نوین تاریخ نگاری، به شیوه ای توصیفی تحلیلی و با اتکا به منابع دست اول مورخان تاریخ ذهنیات و منابع معتبر مطالعاتی در پی به دست دادن تعاریفی از تاریخ ذهنیات، معرفی مورخان و آثار نامی این مکتب و نهایتاً طرح برخی نقدها به آن است.

کلیدواژه ها: تاریخ ذهنیات، مکتب آنال، تاریخ فرهنگی، لوسین فور، مارک بلوخ، فیلیپ آریس.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2025.47973.1745

۲. دانشیار گروه ایران شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران: karimi@meybod.ac.ir

مقدمه

تاریخ فرهنگی رویکردی است تاریخ‌نگارانه که اکنون شاخه‌های فراوان یافته است. بنیاد آن بر بررسی تأثیرات فرهنگ بر جنبه‌های زندگی بشری استوار است و از این جهت است که با تاریخ فرهنگ بسی تفاوت دارد. مورخان تاریخ فرهنگی در جست‌وجوی باورها و اندیشه‌ها به پستوهای تاریخ سرک می‌کشند و به جزئیات توجه می‌کنند و در این راه می‌کوشند برخلاف کلیشه‌ای ذهنی که فرهنگ را مخصوص نخبگان و باسوادان می‌داند، همه طبقات و اقشار مردم و از جمله فرودستان را از نظر دور ندارند.

در تاریخ فرهنگی از تجربه انسان‌ها صحبت می‌شود و زندگی روزمره و اشیا و لباس و مناسک محترم هستند و موضوعاتی اصیل و قابل پیگیری‌اند. نکته اینجاست که مورخان شعب مختلف تاریخ فرهنگی تلاش داشته‌اند اسیر زمان‌پریشی تاریخ نشوند و بر همین اساس است که جهان ذهنی و احساسی مردم را در زمینه و زمانه زندگی آن‌ها می‌کاوند.

تاریخ فرهنگی در وضعیت امروزی ما ضرورتی انکارناپذیر است، زیرا به ما امکان می‌دهد تا با فاصله‌گیری از فرهنگی که در آن غوطه‌ور هستیم و زیست می‌کنیم، در جایگاه یک ناظر، خودمان را ورنه‌انداز کنیم. فرهنگ آن‌چنان فراگیر است که گاه از فرط حضور نادیدنی می‌شود و تاریخ فرهنگی این مجال استثنایی را برای ما فراهم می‌آورد. تاریخ فرهنگی به ما می‌آموزد که امور فرهنگی که اغلب دیرپاترین امور در جوامع هستند و به‌گمان ما از تغییر تن می‌زنند، چه تغییرات شگرفی را پشت سر گذاشته‌اند. این نتیجه‌ای عملی برای زندگی ما آدمیان در پی دارد که گاه باعث تقویت عاملیت انسانی می‌شود و اجبارها و تحمیل‌ها را پس می‌زند.

آنچه در پی بدان پرداخته خواهد شد، رویکردی نسبتاً قدیمی است که تحت تأثیر رهیافت تاریخ فرهنگی از اوایل سده بیستم و هم‌زمان با ظهور مکتب آنال سربرآورد. تاریخ ذهنیات^۱ که اکنون در یک دگردیسی قابل تأمل به تاریخ روحيات و تاریخ احساسات بدل شده است، از جمله مهم‌ترین عرصه‌های نظرورزی مورخان تاریخ فرهنگی بوده است و هنوز آغوشش بر روی تجربه‌گری و ماجراجویی فکری گشوده است.

پیشینه تحقیق

هرچند در سال‌های اخیر تاریخ فرهنگی از رهگذر تأسیس مجلات تخصصی و برگزاری همایش‌های ملی یا ترجمه مورد توجه پژوهشگران تاریخ در ایران قرار گرفته است، اما تاریخ ذهنیات به‌طور خاص چندان برای ایرانیان اهل تاریخ شناخته‌شده نیست. جست‌وجوها نشان

می‌دهد صرفاً دو مقاله به زبان فارسی به موضوع تاریخ ذهنیات پرداخته‌اند. نخستین آن‌ها «کاربرد الگوها، روش‌ها و مفاهیم محوری نظریه اجتماعی و علوم اجتماعی در تاریخ» نام دارد نوشته حسین علی نوذری که در سال ۱۳۸۲ در *فصلنامه مطالعات تاریخ معاصر ایران* منتشر شده است. همان‌طور که از عنوان مقاله برمی‌آید تاریخ ذهنیات تنها بخشی از این مقاله است. تاریخ ذهنیات در این مقاله عنوان خاصی در این مقاله ندارد و تنها ذیل بحث از تاریخ عقاید مورد توجه قرار گرفته و بسیار مختصر بررسی شده است.

مقاله دوم، مقاله‌ای است ترجمه‌ای که در سال ۱۴۰۱ در نشریه *مردم‌نامه* مجال انتشار یافته است؛ مقاله‌ای به قلم پاتریک اچ. هاتن با ترجمه معین کارگری. مقاله‌ای مفصل در موضوع تاریخ ذهنیات که چند نکته درباره آن قابل تأمل است: اولاً مقاله در بحث از سابقه تاریخ ذهنیات و ارتباطش با سایر رویکردهای تاریخ فرهنگی مشتمل است بر مطالب طولانی تکراری که در سایر مقالات به اندازه کافی به آن‌ها پرداخته شده است؛ مثلاً می‌توان به تاریخ عواطف یا احساسات اشاره کرد که اخیراً مقاله‌ای نسبتاً مفصل به زبان فارسی درباره آن منتشر شده است یا می‌شود تاریخ اندیشه انگاره را مورد توجه قرار داد که ادبیات نسبتاً وسیعی درباره آن موجود است؛ ثانیاً مقاله نثری دارد سنگین و دیرباب. هرچند مترجم به‌خوبی از عهده ترجمه این متن وزین برآمده است، اما تکلف متن اصلی، آن را برای مخاطب ثقیل ساخته است؛ ثالثاً رویکرد مقاله آموزشی نیست.

ما در این جستار با توجه به محدودیت انتشار مطالب در مجلات علمی پژوهشی و نیز نیاز به تمرکز کافی، صرفاً خود تاریخ ذهنیات را بررسی کرده‌ایم. همچنین تلاش شد نثری معمول برای انتقال مفاهیم نسبتاً پیچیده به کار رود و سوم این که کوشیده‌ایم با مراجعه به منابع دست اول تولیدشده توسط خود مورخان تاریخ ذهنیت و با رویکردی آموزشی و توصیفی، مطالب را در اختیار مخاطبان علاقه‌مند بگذاریم.

در حوزه زبان انگلیسی دو کار شاخص در باب معرفی تاریخ ذهنیات موجود است. نخستین آن‌ها مقاله‌ای است مختصر به قلم آلفرد جی. آندره‌آ، سردبیر وقت *مجله مورخ* که در آن به‌شکلی گذرا در معرفی رویکردهای جدید تاریخ‌نگاران به تاریخ ذهنیات پرداخته و مورخان شاخص آن را معرفی کرده است. این مقاله قدیمی صرفاً معرفی چند مورخ تاریخ آنال است که کوشیده‌اند به تاریخ ذهنیات وارد شوند و اصلاً وارد بررسی و تحلیل آثار آن‌ها نشده است (Andrea, 1991: 605-608).

دومین این آثار مقدمه لین هانت است بر کتابی که خود او ویراستاری آن را بر عهده داشته است با عنوان *تاریخ فرهنگی جدید*. او در این مقدمه به تفصیل به معرفی رویکردهای مختلف

وابسته به تاریخ فرهنگی پرداخته است که تاریخ ذهنیات را نیز در بر می‌گیرد (Hunt, 1989, 1-25). این مقدمه نیز مانند اثر پیشین به دلیل اقتضائات نگارش مقدمه، کاری است مختصر و محدود به معرفی چند مورخ و اثر و اصولاً وارد تحلیل و بررسی آثار یا چستی تاریخ ذهنیات نشده است.

نکته پایانی این که هیچ‌کدام از چند مقاله و نوشتار یادشده رویکرد و روش تاریخ ذهنیات را به طرز انتقادی مطالعه و بررسی نکرده‌اند، کاری که تلاش شده است به قدر امکان، هر چند گذرا در بخش پایانی این جستار انجام پذیرد.

در چستی تاریخ ذهنیات

تاریخ ذهنیات یکی از مهم‌ترین رویکردهای تاریخ فرهنگی است که موضوع اصلی آن مطالعه ابعاد ناخودآگاه و جمعی تجربه‌های بشری است. تبار تاریخ ذهنیات را می‌توان تا عصر هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰)، فیلسوف نامدار آلمانی به عقب برد. فلسفه تاریخ هگل مبتنی بر این ایده است که تاریخ فرایندی عقلانی است که در آن روح جهانی در طول زمان آشکار می‌شود و خود را تحقق می‌بخشد. او بر این باور بود که هر دوره تاریخی دارای روح یا ذات متمایز خود است که افکار، عقاید و اعمال مردم را در آن دوره شکل می‌دهد (Arndt, 2020). این نوع تاریخ ذهنیات نزد هگل و هر دو بیشتر صبغه‌ای نخیه‌گرایانه داشت. این ایده در راستای تاریخ ذهنیات قرار دارد که در آن بر درک نگرش‌های جمعی و چارچوب‌های شناختی جوامع گذشته تأکید می‌شود و در مکتب تاریخ‌نگاری آنال بعدها جنبه‌ای مردمی پیدا کرد.

همچنین باید میان تاریخ ذهنیات و رویکرد تاریخ‌نگاره یا ایده تمایزی روشن قائل شد و این دو را با هم درنیامیخت. تاریخ‌نگاره بر توسعه و تکامل مفاهیم فکری، فلسفه‌ها و نظریه‌ها در طول زمان متمرکز است و اغلب آثار متفکران، فیلسوفان و جنبش‌های فکری برجسته را بررسی می‌کند و اصولاً تاریخی نخیه‌گانی است. همین‌طور مورخان تاریخ‌نگاره در حوزه روش‌شناسی، متون، نوشته‌ها و افکار متفکران را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا نسبت و دگرگونی ایده‌های خاص را ردیابی کنند (برای اطلاعات بیشتر نک. King, 1983).

چندین رهیافت در مطالعه تجربه‌های بشری در چارچوب تاریخ فرهنگی موجود است. نخستین آن‌ها سرچشمه گرفته از مکتب آنال و نسل اول بنیان‌گذاران آن است که تحولات متعددی را در نسل‌های بعدی از سر گذراند. این جستار بر آن است تا این رویکرد را که فراگیرترین رویکرد تاریخ‌نگارانه تاریخ ذهنیات است معرفی، بررسی و نقد کند.

واژه «ذهنیت»^۱ نخستین بار در دنیای پژوهش‌های علوم انسانی از سوی لوسین لوی-برول^۲ (۱۹۳۹-۱۸۵۷) مورد استفاده قرار گرفت. لوی-برول در کتابی که تحت عنوان ذهنیت بدوی^۳ (۱۹۲۲) نگاشت، مفهومی از «ذهنیت» را بسط داد که ناظر به انسان‌های بدوی بود (Burke, 1997: 163).

بعدها لوسین فور^۴ (۱۸۷۸-۱۹۵۶) و مارک بلوخ^۵ (۱۸۸۶-۱۹۴۴) دامنه این مفهوم را از سطح فردی به سطح اجتماعی گسترش دادند و آن را برای تبیین ناخودآگاه اجتماعی و روندهای غیرکنترلی جامعه به کار بستند (Clark, 1985: 181). توجه به این نکته ضرورت دارد که در سپهر تاریخ ذهنیات، تمرکز اصلی بر ساختارهای ذهنی قرار دارد که از طریق آن‌ها ادراکات انسانی منتقل می‌شود. این ساختارها شامل شیوه‌هایی است که در چارچوب آن‌ها کنش ذهنی از طریق تصویرسازی، الگوهای زبانی، مناسک یا آداب و رسوم ایجاد و بیان می‌شود (Hutton, 1999: 382).

لوسین فور ذهنیات را مجموعه‌ای از ابزارهای ذهنی^۶ یا تجهیزاتی می‌داند که با استفاده از آن‌ها به دنیای خود معنا می‌دانند (Green, 2008: 28). از نظر روزه شارتیته^۷ (۱۹۴۵) این ابزارهای زبانی، مفهومی و عاطفی در هر دورانی نوعی شیوه تفکر را اقتضا می‌کرد و آن نیز به‌نوبه خود حدود و ثغور ذهنی تفکر اجتماعی را شکل می‌داد که می‌توان مثل اعلامی آن‌ها را در مرزبندی بین واقعیت و امور ماورا طبیعی یا امور ممکن و ناممکن دید (Chartier, 1988: 25).

شارتیته همچنین با مبنا قراردادن آرای فور، دو گزاره مهم را طرح می‌کند: نخست آن که ذهنیت امری جهان‌شمول نیست و منحصر است به جوامع خاص و دیگر آن که هرچند مسیری رو به تکامل دارد، لزوماً همیشه رو به صعود نیست و نهایتاً این که قابل انتقال و تداوم نیز نیست.

بر این مبنا می‌توان سه ویژگی برای تاریخ ذهنیات در نظر گرفت. مورخان در این چارچوب بیشتر به دنبال رویکردهای جمعی هستند و نه فردی و همچنین در این میان، رویکرد جمعی مردمان معمولی بر افراد فرهیخته و تحصیل‌کرده ترجیح دارد. دومین ویژگی مشتمل است بر تأکید بر نوعی زندگی روزمره یا عقل عملی و سوم آن که مورخان تاریخ ذهنیات در

1. mentalité
2. Lucien Lévy-Bruhl
3. *La mentalité primitive*
4. Lucien Febvre
5. Marc Bloch
6. outillage mental
7. Roger Chartier

جست‌وجوی نمادها، مقولات و استعاره‌هایی هستند که مردم از طریق آن‌ها می‌اندیشند (Burke: 1997: 162).

چهره‌ها و آثار تأثیرگذار

چنانچه از رویکرد مورخان آنال برمی‌آید گویا تاریخ ذهنیات نزد آن‌ها بیشتر معطوف به احساسات عمومی و نوعی تقابل با فرادستی نخبگان جامعه بوده است. فور و بلوخ مخالف جریان اصلی تاریخ‌نگاری اروپایی بودند که بیشتر بر شخصیت‌ها، مسائل سیاسی و دیپلماتیک تأکید داشت. راه جدیدی که آن‌ها قصد داشتند پیش پای تاریخ‌نگاری آن روزگار بگذارند، البته منابع، پرسش‌ها و مفاهیم جدیدی را می‌طلبید. آن‌ها ترجیح دادند به جای توجه به افراد بر تاریخ جمعی یا تاریخ اجتماعی متمرکز شوند.

طبیعی بود که نگارش چنین تاریخی خارج از توان و ظرفیت روش‌ها و رویکردهای محدود رشته تاریخ بود. از همین رو مورخان می‌بایست به دانش‌های نظیر جامعه‌شناسی، جغرافیا، انسان‌شناسی و روان‌شناسی مجهز می‌شدند. این سرآغازی بود بر مطالعات میان‌رشته‌ای. با در نظر داشت همین ایده بود که فور و بلوخ مخاطبان خود را صرفاً به مورخان محدود نکردند و کوشیدند در چارچوب دانشگاه، تجربه‌های مطالعاتی، رویکردها و روش‌هایشان را با طیفی از دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی در میان بگذارند.

واژه ذهنیات در سده بیستم میلادی واژه‌ای پرکاربرد در ادبیات و شاخه‌های مختلف علوم انسانی بود. در دوره‌ای شاهدیم که توسط قوم‌شناسان و روان‌شناسان نوعی پیوند میان «ذهنیت» و «بدویت» برقرار می‌شود که پیش‌تر بدان اشاره شد. این پیوند بیشتر ناظر به تبیین سازوکارهای فرهنگی پیشامنتقی، احساسی و بدوی بود. تاریخ ذهنیات متضمن فاصله‌گیری از موضوع تحقیق است و نیز به دلیل دارا بودن جنبه‌های حسی و مقولات عقلانی از سایر گونه‌های تاریخ فکری متمایز می‌شود (Green, 2008: 27).

دو اثر مسح شاهانه^۱ (۱۹۲۴) از بلوخ و مسئله بی‌ایمانی در سده شانزدهم: دین رابله^۲ (۱۹۴۲) از فور دو نماینده شاخص تاریخ ذهنیات به‌شمار می‌روند (Arcangeli, 2012: 35). کتاب بلوخ یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های تاریخ‌نگاری لقب گرفته است که موجب شد تحقیقات تاریخی وارد سطح جدیدی شود. پرسش اصلی بلوخ در مسح شاهانه این است که چگونه باور به قدرت شفابخشی پادشاهان در فرانسه و انگلیس به وجود آمد و برای سده‌ها

1. Les Rois thaumaturges: Étude sur le caractère surnaturel attribué à la puissance royale particulièrement en France et en Angleterre
2. Le problème de l'incroyance au 16e siècle: la religion de Rabelais

پایید (Burke, 1990: 17). کتاب با شرح دیدار سفیر انگلستان از ونیز در سال ۱۳۴۰ میلادی آغاز می‌شود. سفیر انگلستان به ونیز رفته بود تا حمایت آن جمهوری را بر ضد پادشاه فرانسه جلب کند. وی در گفت‌وگو با مقامات ونیز برای حل‌وفصل اختلافات میان فرانسه و انگلستان سه راهکار پیشنهاد می‌دهد: نخست، دوئل بین دو پادشاه یا بین دو گروه کوچک از هواداران آن‌ها؛ دیگر، پادشاه فرانسه باید برای اثبات اصالت پادشاهی خویش خود را در معرض شیرهای گرسنه قرار دهد، زیرا شیرها هرگز به یک پادشاه واقعی حمله نمی‌کنند و سومین راه‌حل این بود که پادشاه فرانسه برای اثبات درستی ادعای خود باید بیماران را شفا دهد، زیرا یک پادشاه واقعی قادر است با قدرت خود از عهده این کار برآید (Bloch, 1973: 1-2).

بلوخ یادآوری می‌کند که این سخنان هرچند در چارچوبی دیپلماتیک بیان می‌شد و آن را باید در چنین زمینه‌ای درک کرد، اما قابل تأمل است. این مورد آخر از نگاه او حاکی از پذیرش قدرت‌های مقدس و شفابخش پادشاهان نزد توده مردم و وجود نوعی آگاهی مشترک در قرون وسطی به‌ویژه در ارتباط با درمان بیماری خنازیر است. خنازیر به آماس غدد لنفاوی ناحیه گردن اطلاق می‌شد که در اغلب موارد ناشی از میکروب سل بود. این بیماری در قرون وسطی در اروپا رواج بسیاری داشت. در این بیماری، بیمار درد و رنج زیادی را تحمل می‌کند تا آنجاکه حاضر است هر درمانی را برای التیام آن بپذیرد (Bloch, 1973: 12).

بلوخ در پی آن بود تا علل باور مردم به درمان این بیماری توسط پادشاهان را دریابد و دیرپایی آن را توضیح دهد. او هم‌راستا با دستور کارهای تاریخ‌نگاران آنالی در برجسته‌ساختن امر جمعی و اجتماعی به‌جای امر فردی و نخبگانی، پذیرش توده‌گیر قدرت شفابخشانه پادشاهان را چونان مسئله‌ای محوری مطرح کرد. به همین جهت بود که دست به مقایسه فرهنگ نخبگان و فرهنگ مردم عادی زد (Green, 2008: 30).

به باور بلوخ وجود معجزات مسیحی در ارتباط با زندگی معمولی آدمیان زمینه پذیرش کنش‌ها، افراد و اشیا را به‌مثابه گنجینه‌ای از نیروهای معجزه‌آسا در بین مردم فراهم آورده بود. هرچند این ادعای بلوخ منطقی می‌نمایاند، اما توضیح نمی‌دهد چرا باید این نوع مناسب درمانگری در زمان و مکانی خاص به اجرا درمی‌آمد. بلوخ بر این نظر است که چنین باوری نسبت به نیروهای مقدس پادشاهان در حوالی سال ۱۰۰۰ میلادی پدیدار گشت و بعدها نه از سر اتفاق بلکه به‌صورت مخفیانه به انگلستان منتقل شد و پادشاهان این سرزمین نیز از نگاه مردم واجد چنین نیرویی شناخته شدند (Bloch, 1973: 41, 43, 47).

این پاسخ بلوخ متضمن درکی سیاسی از موضوع است. بلوخ تأکید داشت که چنین نیروی معجزه‌واری می‌توانست موقعیت پادشاه را هرچه بیشتر در آگاهی جمعی مردم مستحکم‌تر

سازد. بدین ترتیب وی باورهای فرهنگی گسترده مردم به قدرت‌های خارق‌العاده مذهبی را با عاملیت پادشاهان برای تقویت بنیادهای سیاسی خود پیوند زد (Green, 2008: 30). بلوخ همچنین در پاسخ به این پرسش اساسی که چرا باور به شفابخشی قدرت پادشاهان در درمان خنازیر برای چند سده تداوم یافت، پاسخ قابل تأملی دارد.

خنازیر بیماری پیچیده و رام‌نشدنی بود. برای مدتی از میان می‌رفت، اما هر لحظه امکان داشت عود کند. به همین دلیل بود که بیماران همواره و برای دفعات متعدد خواستار لمس بدنشان توسط پادشاه می‌شدند. حتی به قول بلوخ در انگلستان عقیده‌ای پا گرفت که خنازیر درمان نمی‌شود مگر با لمس چندباره بدن توسط شاه. بلوخ در مقام یک مورخ تاریخ ذهنیات که همواره در پی حفظ فاصله با سوژه تاریخی خویش است، این مسئله را پیش می‌گذارد که اگر قدرت پادشاه درمانگر بود، باید در همان لمس نخستین بیمار شفا می‌یافت. اما حتماً تداوم بیماری به عوامل دیگری جز ناکارآمدی نیروی شفابخشی پادشاه منتسب می‌شد: عدم ایمان واقعی بیمار به شفابخش بودن قدرت پادشاه، تشخیص اشتباه بیماری و کند بودن روند درمان.

بلوخ این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که مردم در آن روزگار فاقد هرگونه رویکرد انتقادی نسبت به این ماجرا و ایجاد تردید در آن بودند. به باور او روان‌شناسی معجزه آن‌ها اقتضا می‌کرد که آن‌ها دچار نوعی خطای جمعی یا توهم جمعی باشند و همین آن‌ها را از طرح انتقاد بازمی‌داشت (Bloch, 1973: 239-242). این نوع گزاره‌هاست که بلوخ و دیگر مورخان تاریخ ذهنیات را در معرض انتقاد قرار داده است. آن‌ها عمدتاً از منظر عقل مدرن به قضاوت سوژه‌های پیشامدرن می‌نشینند و آن‌ها را به دلیل اتخاذ رهیافت‌های بدوی سرزنش می‌کنند؛ اما در کل، نوآوری‌های روشی و مفهومی فور از حیث تاریخ ذهنیات را شاید بتوان فارغ از نتایج کتاب او، مورد ستایش قرار داد.

اثر شاخص دیگری که مکتب تاریخ‌نگاری ذهنیات را نمایندگی می‌کند، کتاب مشهور فور است با عنوان *مسئله بی‌ایمانی در سده شانزدهم: دین رابله*. عنوان کتاب تا حد زیادی روشنگر مضمون آن است. این کتاب را فور زمانی نگاشت که در سال‌های جنگ جهانی دوم به مناطق روستایی تبعید شده بود و سرانجام در سال ۱۹۴۲ مجال نشر یافت. وی در این کتاب هرچند تمرکز خود را بر زندگی و افکار فرانسوا رابله^۱ (۱۵۵۳-۱۴۸۳) متفکر و ادیب مشهور این دوران قرار داده است و قصد دارد بی‌ایمانی او را بررسی کند، چنان‌که خود فور گفته است صرفاً محدود به آن نیست و مسئله بزرگ‌تری به نام معنا و روح سده شانزدهم را مدنظر دارد. هدف دیگر فور پیگیری نوعی زمان‌پریشی تاریخی در ارتباط با موضوع رابله است. از

1. François Rabelais

دیدگاه او نویسندگان متأخر کوشیده‌اند با رویکردی گذشته‌نگرانه تداوم بی‌ایمانی را مفروض گرفته‌اند و دوران خود را با سده‌شانزدهم در عرض هم مقایسه کرده‌اند. فور همچنین تلاش کرده است، تعریفی موجه از آزاداندیشی در روزگار رابله ارائه دهد (Arcangeli, 2012: 36). فور این پرسش را پیش می‌گذارد که مردم عادی چه درکی از رمان *گارگانتوا و پانتاگروئل*^۱ شاهکار ادبی رابله داشتند. او تلاش می‌کند از منظر آنان به موضوع بنگرد. بر همین اساس است که این مسئله را پیش می‌گذارد که آیا مردم همگی فهمی یک‌دست از این افراد و آثار آن‌ها داشتند یا خیر. به دیگر سخن آیا رهیافت‌های مختلف فکری به یک میزان و درجه امکان داشت؟

از نظر فور مسیحیت از طریق مجموعه‌ای از مناسک و سنت‌ها تا پوست‌واستخوان مردم رسوخ کرده بود و از تولد و تا مرگ همه به‌نوعی با آن درگیر بودند؛ بنابراین ادعای آزاداندیشی و رهایی از قیود ذهنی مسیحی تقریباً غیرممکن بود. در این شرایط آیا امکان آن وجود داشت که کسی یا کسانی هرچند محدود و معدود بتوانند با استفاده از «ابزارهای ذهنی» خود باورهای مذهبی را به چالش بکشند.

فور قاطعانه این ادعا را رد می‌کند (Febvre, 1982: 5, 336). از منظر وی فلسفه در سده‌شانزدهم نه به‌لحاظ واژگانی و نه از حیث ظرفیت محتوایی توان ایجاد هیچ‌گونه چالشی را برای مذهب نداشت. علم نیز دچار چنین مسئله‌ای بود و تشخیص امر طبیعی از امر فراطبیعی غیرممکن بود؛ بنابراین، غیبت چنین ظرفیتی از سپهر فلسفه و علم، به‌شکلی اجتناب‌ناپذیر نوعی محدودیت مفهومی را بر جهان ذهنی سده‌شانزدهم تحمیل می‌کرد (Hutton, 1999: 384-385).

فور بر همین مبنا منکر توانایی رابله برای درافکندن طرحی نو در جهان ذهنی و فکری آن روزگار می‌شود. به باور فور رابله هرچند فردی بود که از جهت فکری دست به ماجراجویی‌های فراوانی زد، اما از آنجاکه نتوانست از قفس ایده‌های کهن خلاصی یابد یا بر آن بود تا ایده‌های جدید خود را با ساختار کهن سازگار کند، در کنارگذاری آن شمای فکری و مذهبی مسلط، ناکام ماند.

فور ایده‌های رابله را صرفاً مسائل اعتقادی شخصی ارزیابی می‌کند که به چیزی بیرون از خود رابله ارجاع نمی‌دهد و حمایتی از سوی فلسفه و علم نمی‌یابد. با این وصف، فور منکر «بی‌ایمانی» در سده‌شانزدهم نیست، اما آن را تنها مجموعه‌ای از احساسات و انگیزه‌های فردی می‌بیند که فاقد ارزش اجتماعی است، مثال‌زدنی نیست و هیچ فشار و اجباری را بر ارباب دین

وارد نمی‌سازد. این مسئله تا زمانی ادامه می‌یابد که فلسفه و علم هر دو قادر شدند امر طبیعی را از امر فراطبیعی جدا کنند و این دیرزمانی بعد رخ داد.

بر همین پایه، دنیایی فاصله میان «بی‌ایمانی» سده شانزدهم و «الحاد» سده هجدهم وجود دارد که حاصل گسستی معرفت‌شناختی بود (Febvre, 1982: 352, 461). در مقام مقایسه آرای فور و بلوخ درمی‌یابیم که فور برخلاف بلوخ که قائل به گونه‌ای پیوستگی تکاملی ذهنیت بود، هرچند تکاملی بودن این فرایند را می‌پذیرد، جایگاهی برای گسست نیز در نظر می‌گیرد (Wootton, 1988: 702). فور همچنین بر همین اساس، همسان با بلوخ، خود را محق می‌داند که ذهنیت امروزی را با ذهنیت جاری در گذشته مقایسه کند و دست به نقد آن‌ها بزند.

میراث فور و بلوخ از حیث تاریخ ذهنیات شاهد افت‌وخیزهایی بود. فرنان برودل^۱ (۱۹۰۲-۱۹۸۵) با نوشتن *مدیترانه و جهان مدیترانه‌ای در عصر فیلیپ دوم*^۲ (۱۹۴۹) از جهت محدوده زمانی پژوهشی فور و بلوخ راه آنان را تداوم بخشید، اما از جهت موضوع و روش تغییراتی در وجود آورد که می‌توان آن‌ها را گسستی در این مسیر ارزیابی کرد. او هرچند زمان تاریخی تازه‌ای را تکوین کرد، اما با تأکید افراطی بر محیط جغرافیایی و اقلیم، عملاً نقش عاملیت انسانی را در تحولات تاریخی و نیز به‌ویژه در عرصه فرهنگ و روحیات نادیده گرفت و قائل به نوعی جبر جغرافیایی شد. وی همچنین با اتخاذ روش‌های کمی و بهره‌جستن از اطلاعات رقومی، هیجان و گرمای تحقیقات اولیه بنیان‌گذاران مکتب آنال را از میان برد و اصولاً پژوهش را به امری کمی و سرد تبدیل کرد (گرین و تروپ، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

شاید بتوان گفت کسانی چون لو روا لادوری^۳ (۲۰۲۳-۱۹۲۹) و دیگرانی که در پی نام آن‌ها خواهد آمد با محافظت از میراث فور، کوشیدند تاریخ روحیات را در مسیر کلاسیک خودش نگه دارند. لادوری با کتاب *درخشان مونت‌یو*^۴ (۱۹۷۵) دست به ابتکار قابل توجهی زد و بر مبنای آرشئو کلیسای یک منطقه روستایی به همین نام، گزارشی از نظرگاه مردم عادی روستا را درباره عشق، مرگ، جادو و... ارائه داد. این بازگشتی باشکوه به فور بود (Vovelle, 1990: 5).

ژرژ دویی^۵ (۱۹۹۶-۱۹۱۹) دیگر مورخ نامی مکتب آنال در چارچوب تاریخ ذهنیات با روش‌هایی متفاوت به سراغ این ایده رفت و آثار متعدد و بعضاً مشهوری خلق کرد. او طی مدت سی سال از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ پیش‌گام پژوهش در تاریخ ذهنیات شد. او آثار خارق‌العاده‌ای

1. Fernand Braudel

2. *La Méditerranée et le monde méditerranéen à l'époque de Philippe II*

3. Emmanuel Le Roy Ladurie

4. *Montaillou, village occitan de 1294 à 1324*

5. Georges Duby

را با همکاری دیگر مورخان هم‌فکر پدید آورد. به‌ویژه از میان این آثار می‌توان به مجموعه ارزشمند تاریخ زندگی خصوصی^۱ (مشترک با آریس) (۱۹۸۷) و تاریخ زنان در غرب^۲ (مشترک با پرو)^۳ (۱۹۹۰) اشاره کرد (Ariès and Duby 1987-91; Duby and Perrot 1992-). (94)

او همچنین با همکاری روبر مندرو^۴ کتابی تحت عنوان تاریخ تمدن فرانسوی^۵ (۱۹۵۸) به رشته تحریر درآورد که در نوع خود قابل تأمل است و الگویی از مطالعات تاریخ تمدن پیش می‌گذارد (Duby and Mandrou, 1958). مندرو خود از چهره‌های برجسته مکتب تاریخ‌نگاری مکتب آنال بود که با پیروی از آرا و آثار فور، مسیر جدیدی در تاریخ ذهنیات گشود. او در این عرصه چه به‌لحاظ نظری و چه از حیث عملی دست به تجربه‌گری‌های متعددی زد و تاریخ ذهنیات را به‌صورت امروزی آن نزدیک ساخت.

دوبی بر این باور بود که ذهنیت امری است که ریشه در روان‌شناسی دارد و بر همین اساس، تاریخ می‌تواند از روان‌شناسی اجتماعی کمک بگیرد. وی تاریخ‌نگاری را اصولاً دارای ماهیتی روان‌شناختی می‌دانست و عاملیت انسانی را متأثر از احساسات و عواطف ارزیابی می‌کرد. دوبی هرچند دست به نوآوری‌های زیادی زد، البته اما دور از اندیشه‌های اصلی مکتب آنال نبود. او نیز همچون فرنان برودل زمان تاریخی را که تحولات عظیم جامعه در بستر آن شکل می‌گیرد «دوره طولانی»^۶ می‌دانست و دیگر ضرباهنگ‌های زمانی کوتاه‌مدت دیگر را در نسبت با این زمان مورد بررسی قرار می‌داد. دوبی بر این باور بود که ضمن آن که نباید نقش عوامل مادی را در زندگی انسان‌ها دست کم گرفت، به عوامل ذهنی چونان عواملی مستقل باید توجه کرد و جایگاهی هم‌تراز با دیگر عوامل برای آن‌ها در نظر گرفت (Arcangeli, 2012: 36).

در دهه ۱۹۶۰ تعداد قابل توجهی از پژوهشگران و دانشگاهیان علوم اجتماعی و از جمله تعدادی از متفکران همدل با مارکسیسم ضمن حفظ توجهات و ملاحظات خود نسبت به زمینه‌های مادی تجربه‌های انسانی، مناسبات اجتماعی و بحث طبقات، پا به عرصه تاریخ ذهنیات گذاشتند و آن را فرصتی گران‌بها برای کشف ابعاد ناشناخته امور انسانی و اجتماعی در نظر گرفتند (Vovelle, 1990: 3).

-
1. *Histoire de la vie privée*
 2. *Histoire des femmes en Occident*
 3. Michelle Perrot
 4. Robert Mandrou
 5. *Histoire de la civilisation française*
 6. longue durée

فیلیپ آریس^۱ (۱۹۱۴-۱۹۸۴) دیگر مورخ مشهوری است که در عرصه تاریخ ذهنیات خوش درخشید. او به‌ویژه طی سال‌های متمادی کوشید تا با استفاده از رویکردهای کمی تاریخ ذهنیات زندگی و مرگ را مورد بررسی قرار دهد. او بسیار وامدار فور بود. آریس تلاش کرد از دام زمان‌پریشی بگریزد. برای مثال می‌توان به تاریخ برخی پادشاهان ایرانی اشاره کرد که در عین داشتن روحیه‌ای خشن که بارها موجب ورق خوردن صفحاتی فاجعه‌بار در تاریخ ایران شده است، خاضعانه در برابر پروردگار به نماز می‌ایستادند یا از سر گناه بعضی گناهکاران به‌راحتی می‌گذشتند و دل بر فقرا و ایتام می‌سوزاندند.

آریس به‌لحاظ روش‌شناختی بر این اعتقاد بود که منظر و مختصات کنونی ما در نگرش به حوادث این‌چنینی است که باعث می‌شود در برابر این جمع اضداد دچار شگفتی و بهت شویم. او به‌درستی از فور آموخته بود که تنها راه گذر از این معضل نگارش تاریخ فرهنگی در زمینه و زمانه موضوع بود (Arcangeli, 2012: 37). یکی از مقوله‌های مهمی که آریس بدان توجه خاصی نشان داد، مقوله زمان بود.

ژاک لوگوف^۲ (۲۰۱۴-۱۹۲۴) نیز در تحقیقات تاریخی خود مفهوم زمان را در اواخر قرون وسطی مورد بررسی قرار داد. او توانست آن‌چنان‌که همیشه زمان نزد مورخان مکتب آنال مهم بود، نوعی تقسیم‌بندی از زمان ارائه دهد و به «زمان کلیسا» و «زمان بازرگان» رسید. این دو ضرب‌آهنگ زمان هرکدام اقتضائات خاص خود را داشتند (برای اطلاعات بیشتر درباره این دو زمان نک. Le Goff, 1977, 20 ff.).

پدیده‌های جمعیت‌شناختی و استفاده از آمار و اطلاعات حاصل از آرشیوهای اروپایی مسیرهای جدیدی پیش پای مورخان تاریخ ذهنیات گذاشت. خود آریس از جمله کسانی بود که با کاربست روش‌های کمی و کیفی توانست تحولات اجتماعی اواخر سده هجدهم در فرانسه را با ابتنا بر آمار نرخ باروری مطالعه کند. او دریافت که نرخ باروری در زمینه «زمان بازرگان» به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کرده بود که می‌توان آن را به روش‌های بدیع پیشگیری از بارداری نسبت داد.

لوگوف در جایگاه یکی از چهره‌های مشهور تاریخ ذهنیات سال‌ها پیش از آریس خواستار ارزیابی مفهومی این نوع از تاریخ‌نگاری شد. وی هرچند تاریخ ذهنیات را در آن دوره نوعی جهت‌گیری تحقیقاتی و پیش‌گام نامید، اما هم‌زمان آن را «تاریخ ابهامات» خواند و تا اندازه‌ای انسجام مفهومی و اعتبار علمی عبارت «تاریخ ذهنیات» را به چالش کشید. با وجود این، لوگوف ابهام در منظر پژوهشی تاریخ ذهنیات را نقطه قوت آن ارزیابی کرد که موجب می‌شود

1. Philippe Ariès
2. Jacques Le Goff

انعطاف‌پذیری ویژه‌ای بیابد. در مجموع، تردیدهای لوگوف باعث شد پیش‌شرط‌های روش‌شناختی تاریخ‌ذهنیات به پرسش گرفته شود و دیگرانی نیز مسیر او را پی گرفتند (Le Goff, 1985: 166-180).

فراتر از اروپا در آن‌سوی اقیانوس اطلس نیز مورخان تحت‌تأثیر ایده‌های تاریخ‌ذهنیات قرار گرفتند. شاخص‌ترین آن‌ها بی‌گمان ناتالی زیمون دیویس (۲۰۲۳-۱۹۲۸) بوده است. او با نگارش کتاب مشهور *بازگشت مارتین گر* شبه‌انقلابی در گونه‌تاریخ‌خرد و تاریخ‌ذهنیات ایجاد کرد. این اثر یک روایت تاریخی جذاب است مربوط به فرانسه قرن شانزدهم (عبداللهی، ۱۴۰۱: ۲۲۲). دیویس در این کتاب به بررسی پرونده قضایی مارتین گر می‌پردازد، مردی که به‌طور مرموزی از دهکده‌اش ناپدید شد و سال‌ها بعد به کشورش بازگشت؛ با این حال، تردیدهایی در مورد هویت او شکل می‌گیرد که منجر به یک محاکمه دراماتیک می‌شود. کتاب بر مضامینی همچون هویت، فریب و پیچیدگی‌های روابط انسانی متمرکز است و زندگی مردم عادی را بازسازی می‌کند و دل‌بستگی‌ها و حساسیت‌های پنهان روستاییان بی‌سواد آن دوران را آشکار می‌سازد (Zemon Davis, 1984).

تاریخ‌ذهنیات در بوته نقد

بزرگ‌ترین نقد وارده به بلوخ و فور از حیث تاریخ‌ذهنیات این است که آن‌ها در صورت‌بندی نوعی نظریه تاریخ‌ذهنیات ناکام بودند. آن‌ها نتوانستند سازوکار درونی شدن مقوله‌های اساسی اندیشه را در یک گروه مشخص اجتماعی توضیح دهند. همین‌طور آن‌ها همچنان که بدان اعتقاد داشتند، از عهده توجیه گونه‌ای طرح‌های کلان و ناخودآگاه که همه کنش‌ها و افکار اعضای یک جامعه را نظم و ساختار می‌بخشد، عاجز بودند. تقریباً هیچ‌کدام از مورخان تاریخ‌ذهنیات از این نقد برکنار نیستند جز یک استثنای تاریخی. فیلیپ آریس که پیش‌تر آرا و آثار او را به اختصار بررسی کردیم تنها کسی است که نمی‌توان نقدی را از این حیث متوجه او کرد. وی در سال ۱۹۶۲ کتابی تأثیرگذار و مناقشه‌برانگیز به نام *سده‌های کودکی*^۱ منتشر کرد که موضوع اصلی آن خانواده و کودکی است. آریس تحت‌تأثیر تلقی‌های متفاوت از کودکی در قرون وسطی و سده هجدهم کوشید تا سازوکاری را که طی آن چرخه زندگی چنان‌که یک فرایند رشد به رسمیت شناخته شد، بررسی و مطالعه کند. او هم به‌لحاظ نظری و هم از جهت پیگیری تغییرات فرهنگی ناظر به موضوع اصلی کتاب که ارائه شواهد و مدارک متعددی را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت، موفق عمل کرد.

1. L'enfant et la vie familiale sous l'ancien régime

نقد دیگری که به تاریخ ذهنیات وارد است، ایستایی ذهنیات در هر عصر را هدف می‌گیرد. از نظر این منتقدان، ذهنیات در هر دوره‌ای چنان تصویر می‌شود که گویی زندانی است که هیچ راه فراری از آن وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین مبانی تاریخ ذهنیات تأکید بر اجماع فرهنگی است. این ابرام از منظر منتقدان باعث یکدست شدن افراد متفاوت می‌شود. مثلاً زمانی که بلوخ و فور از «فرانسوی سده شانزدهم» سخن می‌گویند گویی در فرانسه آن دوران هیچ تفاوتی در رویکرد فرهنگی و فکری میان زن و مرد، فقیر و غنی و باسواد و بی‌سواد وجود نداشت. همچنین، پافشاری بر اجماع فرهنگی به نوعی اجبار فرهنگی می‌انجامد که توضیح تغییر تدریجی فرهنگی را در جوامع بسیار سخت می‌سازد، موضوعی که تقریباً هیچ پاسخی از سوی مورخان تاریخ ذهنیات نمی‌گیرد.

سومین نقد بر تاریخ ذهنیات ناظر به نادیده انگاشتن یا دست‌کم گرفتن تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر رویکردهای فرهنگی است. از نظر منتقدان بی‌اعتنایی به منافع اقتصادی و اجتماعی تصویری ناقص از تحولات فرهنگی و ذهنی در اختیار ما قرار می‌دهد. این ایده باعث می‌شود که جهان ذهنی انسان‌ها به مثابه یک جهان خودمختار ترسیم شود. میشل وول^۱ (۲۰۱۸-۱۹۳۳) مورخ فرانسوی بر این باور است که اتفاقاً تضاد منافع اقتصادی و اجتماعی است که ناخودآگاه را به عرصه خودآگاهی فرامی‌خواند و تغییر را در طول زمان ممکن می‌سازد (Green, 2008: 33-34).

نتیجه‌گیری

نسل جدید مورخان ایرانی عموماً مشتاق تجربه‌گری در عرصه‌های نوین تاریخ‌نگاری هستند. در چند سال اخیر این اقبال باعث شده است تا کتاب‌ها و مقالات متعددی در باب رویکردها و روش‌های نو در تاریخ‌نویسی تحریر و ترجمه شود. این جستار نیز یکی از همین تلاش‌هاست. تلاشی در جهت معرفی عمیق‌تر رویکرد تاریخ ذهنیات که هم‌زمان متضمن روش‌هایی در امر نگارش تاریخ است. تاریخ ایران مملو است از زمینه‌هایی که آن را مستعد می‌سازد با این رویکرد خاص بازپردازی و تفسیر شود.

تاریخ‌نگاری ایرانی بر مدار سلاطین و سلسله‌ها می‌چرخیده است. اگر امروز اطلاعی از مردم و فرودستان داریم اولاً بیشتر مربوط است به صفویه به این‌سو و ثانیاً وامدار تواریخ محلی و سفرنامه‌هاست. هرچند اکنون بر تنوع منابع تاریخ ایران افزوده شده است، اما همچنان سایه سیاست بر عرصه‌های فرهنگی سنگینی می‌کند. از همین روست که اتخاذ رویکرد و

1. Michel Vovelle

روش تاریخ ذهنیات در بازتفسیر آگاهی‌های تاریخی به معنای گسترش دایره تاریخ‌نگاری و فراتر بردن مرزهای آن از نخبگان سیاسی و اقتصادی است و تأکید بر اقشار و افرادی که در طول تاریخ صدایشان گم شده است و به ما نرسیده است. تاریخ ذهنیات شنوای این صداهاست: صدای مردم. صدایی که مطابق با ایده‌های تاریخ ذهنیات باید در زمینه‌شان شنیده شود بی‌آنکه اسیر زمان‌پریشی گردد.

منابع

- عبداللهی، محمدجواد (۱۴۰۱) «امتناع منابع و مسئله ابداع: مطالعه موردی در باب نحوه بازسازی حیات گروه‌های فرودست در تاریخ فرهنگی جدید»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۳۲ (۲۹)، صص ۲۴۳-۲۲۱. Doi: 10.22051/hph.2023.42589.1647
- گرین، آنا؛ کاتلین، تروپ (۱۴۰۰) *خانه‌های تاریخ*، ترجمه بهزاد کریمی، تهران: نشر مرکز.
- نوذری، حسین علی (۱۳۸۲) «کاربرد الگوها، روش‌ها و مفاهیم محوری نظریه اجتماعی و علوم اجتماعی در تاریخ»، *مطالعات تاریخ معاصر ایران*، (۲۷)، صص ۲۰۲-۱۳۹.
- هاتن، پاتریک اچ. (۱۴۰۱) «تاریخ ذهنیات، گستره‌ای نو در تاریخ فرهنگی»، *مردم‌نامه*، (۲۳-۲۱)، صص ۱۹۶-۲۳۳.
- Arcangeli, Alessandro (2012), *Cultural History: A Concise Introduction*, London, Routledge.
- Ariès, Philippe and DUBY, Georges (1987-91), *Histoire de la vie privée*, Paris, Seuil.
- Arndt, Andreas (2020), 'Hegel's Philosophy of World History', In: Bykova, M.F., Westphal, K.R. (eds) *The Palgrave Hegel Handbook*. Palgrave Handbooks in German Idealism, London: Palgrave Macmillan.
- King, Preston (1983), *The History of Ideas: An Introduction to Method*, London: Barnes & Noble Books.
- Bloch, Marc (1973), *The Royal Touch*, London: Routledge.
- Burke, Peter (1990), *The French Historical Revolution: The Annales School, 1929-89*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Burke, Peter (1997), *Varieties of Cultural History*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Chartier, Roger (1988), *Cultural History: Between Practices and Representations*, Ithaca, NY: NCROL.
- Clark, Stuart (1985), 'The Annales Historians', in Quentin Skinner, ed., *The Return of Grand Theory in the Human Sciences*, Cambridge: Cambridge University Press.
- DUBY, Georges and Mandrou, Robert (1958), *Histoire de la civilisation française*, Paris: A. Colin.
- DUBY, Georges and Perrot, Michel (1992-94), *Histoire des femmes en Occident*, Paris: Académique Perrin Editions.
- Febvre, Lucien (1982), *The Problem of Unbelief in the Sixteenth Century: The Religion of Rabelais*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Green, Anna (2008), *Cultural History*, Hampshire: Palgrave Mc Millan.
- Hunt, Lynn (1989), *The New Cultural History*, Berkeley: University of California Press.
- Hutton, Patrick (1999), 'The History of Mentalities: The New Map of Cultural History', in Stuart Clark, ed., *The Annales School: Critical Assessments*, vol. II, London and New York: Routledge.
- Le Goff, Jacques (1985), *Time, Work, and Culture in the Middle Ages*, trans. by Arthur Goldhammer, Chicago: The University of Chicago Press.

- Le Goff, Jacques (1985), 'Mentalities: a history of ambiguities', trans. D. Denby, in J. Le Goff and P. Nora (eds) *Constructing the Past: Essays in historical methodology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Vovelle, Michel (1990), *Ideologies and Mentalities*, Cambridge: Polity Press.
- Wootton, David (1988), 'Lucien Febvre and the Problem of Unbelief in the Early Modern Period', *Journal of Modern History*, 60: 4 (December).
- Zemon Davis, Natalie (1984). *The Return of Martin Guerre*, Cambridge: Harvard University Press.



List of sources with English handwriting

- Abdollahi, M. J. (2022). Refusal of the sources and the problem of invention: A case study on how to reconstruct the life of subaltern groups in New Cultural History. *Journal of Historical Perspective&Historiography*, 32(29), 221-243.
doi: 10.22051/hph.2023.42589.1647. [in Persian]
- Arcangeli, Alessandro (2012), *Cultural History: A Concise Introduction*, London, Routledge.
- Ariès, Philippe and Duby, Georges (1987–91), *Histoire de la vie privée*, Paris, Seuil.
- Arndt, Andreas (2020), 'Hegel's Philosophy of World History', In: Bykova, M.F., Westphal, K.R. (eds) *The Palgrave Hegel Handbook*. Palgrave Handbooks in German Idealism, London: Palgrave Macmillan.
- Bloch, Marc (1973), *The Royal Touch*, London: Routledge.
- Burke, Peter (1990), *The French Historical Revolution: The Annales School, 1929-89*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Burke, Peter (1997), *Varieties of Cultural History*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Chartier, Roger (1988), *Cultural History: Between Practices and Representations*, Ithaca, NY: NCROL.
- Clark, Stuart (1985), 'The Annales Historians', in Quentin Skinner, ed., *The Return of Grand Theory in the Human Sciences*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Duby, Georges and Mandrou, Robert (1958), *Histoire de la civilisation française*, Paris: A. Colin.
- Duby, Georges and Perrot, Michel (1992–94), *Histoire des femmes en Occident*, Paris: Académique Perrin Editions.
- Febvre, Lucien (1982), *The Problem of Unbelief in the Sixteenth Century: The Religion of Rabelais*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Green, Anna & Troup, Kathleen (2021), *The houses of history : a critical reader in history and theory*, translated by Behzad Karimi, Tehran: Markaz. [in Persian]
- Green, Anna (2008), *Cultural History*, Hampshire: Palgrave Mc Millan.
- Hunt, Lynn (1989), *The New Cultural History*, Berkeley: University of California Press.
- Hutton, Patrick (1999), 'The History of Mentalities: The New Map of Cultural History', in Stuart Clark, ed., *The Annales School: Critical Assessments*, vol. II, London and New York: Routledge.
- Hutton, Patrick H. (2021), "The History of Mentalities: The New Map of Cultural History", translated by Moin Kargari, *Mardomnameh*, Nos.21-23, pp. 196-233. [in Persian]
- King, Preston (1983), *The History of Ideas: An Introduction to Method*, London: Barnes & Noble Books.
- Le Goff, Jacques (1985), 'Mentalities: a history of ambiguities', trans. D. Denby, in J. Le Goff and P. Nora (eds) *Constructing the Past: Essays in historical methodology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Le Goff, Jacques (1985), *Time, Work, and Culture in the Middle Ages*, trans. by Arthur Goldhammer, Chicago: The University of Chicago Press.
- Nowzari, Hossein Ali (2002). "Application of patterns, methods and core concepts of social theory and social sciences in history", *Iranian Contemporary History Quarterly*, No. 27, pp. 139-202. [in Persian]
- Vovelle, Michel (1990), *Ideologies and Mentalities*, Cambridge: Polity Press.
- Wootton, David (1988), 'Lucien Febvre and the Problem of Unbelief in the Early Modern Period', *Journal of Modern History*, 60: 4 (December).
- Zemon Davis, Natalie (1984). *The Return of Martin Guerre*, Cambridge: Harvard University Press.



The history of mentalities as a theory and method in cultural historiography¹

Behzad Karimi²

Received: 2024/08/11
Accepted: 2025/01/02

Abstract

The history of mentalities is an approach that emerged from the historiography of the Annals school and can be seen as influenced by the approach of cultural history, but it was not limited to this framework and found many ramifications and branches. Today, the history of spirits and the history of emotions are in fact the fruit of the history of mentalities, and each is gradually finding an independent mechanism. The main axis of the history of mentalities, launched by Febvre and Bloch, two of the founders of the annals school, is the study of the impact of culture on other aspects of life. The main assumption of the historians of this historiographical approach is that there are grand cultural plans on which the members of a society largely agree, and that individuals act culturally within their boundaries. While praising the comprehensive approach of this history, which includes the various social classes without distinction, critics have taken aim at the coercion and imposition associated with this assumption. The history of mentalities undoubtedly offers a novel picture of the past by focusing on the sometimes invisible and largely neglected role of culture in political, economic and social actions. This essay aims to familiarize Iranian historians with new approaches to historiography. It takes a descriptive-analytical approach and draws on first-hand sources from historians of the history of mentalities as well as reliable sources of study to provide definitions of the history of mentalities, introduce famous historians and works of this school, and finally suggest some criticisms of it.

Keywords: History of mentalities, Annals school, Cultural history, Lucien Febvre, Marc Bloch, Philippe Aries.

1. DOI: 10.22051/hph.2025.47973.1745

2. Associate Professor, Department of Iranology, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran: karimi@meybod.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507